

ماهنامه آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال سیزده هم

شماره ۱۹۴

سوره: البقره، آیه: ۲ و ۳

این است کتابی که در [حَقانیت] آن هیچ تردیدی نیست

[و] مایه هدایت تقواییـــــــشگان است (2)

آنان که به غیب اِمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند

و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (3)

محدودیت یا موانع خواستگاری

● تتبع ونگارش: صفالرحمن سیفی

خواستگاری در زمان عدت وفات

برای شخص مسلمان، حلال نیست که زن مطلقه و یا زنی که شوهرش فوت نموده است را تا وقت سپری شدن مدت عدت‌اش به صورت صریح خواستگاری نماید) چون مدت ایام عدت در محدوده و متعلقات ازدواج قبلی است و جایز نیست به این محدوده تجاوز شود) اما اگر بصورت غیر صریح(کنایه و اشاره) در زمان عدت خواستگاری شود مشکلی ندارد. مثلاً کسی را به نزد آن زن بفراستد تا برایش بگوید: «هرگاه مدت عدت‌ات ختم شد، به نزد من کسی را فرستاده و آگاه کن.

مبنای این نوع خواستگاری را الله تبارک و تعالی در آیه235 سوره بقره بیان میکند : «و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه از زنانی(که در عدتی وفات همسرانشان به سر می‌برند)، خواستگاری کنید و یا در دل چنین تصمیمی بگیرید. الله میداند که شما) تصمیم ازدواج با (این) زنان را به زودی بر زبان خواهید آورد. البته به صورت پنهانی با آنها قرار ازدواج نگذارید و فقط به کنایه این تصمیم را مطرح کنید و تا عدتی مقرر به پایان نرسیده است، اقدام به ازدواج نکنید و بدانید که الله از نیت های درونی شما آگاه است؛ پس، از مخالفت با او بپرهیزید و بدانید که الله آمرزندهی مهوروز است.»

قانون مدنی نیز در این باره حکم صریح دارد، طوری که در ماده 63 تصریح میدارد: «خواستگاری زن در عدت طلاق رجعی یا باین عبارت صریح و کنایه و در عدت وفات عبارت صریح جواز ندارد.» علت این امر اینست که طلاق رجعی به صورت کلی آثار ازدواج را منحل نموده و زوج میتواند در خلال عدت دو باره به زوجه اش مراجعت نماید بنابراین هرگاه شخصی بخواهد در این مدت وی را به صورت صریح یا ضمنی خواستگاری نماید این امر تجاوز بر حق شوهر مطلقه رجعی می گردد که مطابق فقه و قانون مدنی جواز ندارد.

خواستگاری مطلقه طلاق رجعی

طلاق رجعی نقطه مقابل طلاق بائن است و تحت شرایطی مرد می‌تواند با رجوع بر طلاق، پیوند زناشویی را از سر بگیرد. بنابراین طلاق رجعی، طلاقی است که شوهر در مدت عدت می‌تواند از طلاق رجوع نماید و نکاح را به حالت اول برگرداند، به همین اعتبار به طلاق مزبور طلاق رجعی گفته می‌شود. در مدت زمان طلاق رجعی بری غیر اجازه نیست تا از مطلقه رجعی خواستگاری نماید، زیرا تا هنوز حق زوج حاکم است و رابطه زوجیت هم از بین نرفته است. ماده 63 ق.م مقرر می‌دارد: «خواستگاری زن در عدت طلاق رجعی ... جواز ندارد.» در طلاق رجعی، نکاح به وسیله طلاق و انقضاء عدت منحل می‌گردد، به شرط آنکه در مدت عدت، مرد رجوع به آن نکرده باشد. بنابراین مادام که عدت منقضی نشود رابطه زوجیت برقرار می‌باشد و مطلقه در حلیت زوجه است.

بنابراینچه گفته شد، زوجه در مدت عدت رجعیه در حکم دوران زناشویی است و زن در این مدت عدت مستحق نفقه می‌باشد. ماده 126 ق.م مقرر می‌دارد: «مطلقه از تاریخ طلاق تا ختم عدت مستحق نفقه میگردد.» و از طرف دیگر شوهر تا تمام شدن عدت رجعیه حق ندارد با خواهر زن خود ازدواج نماید. زیرا مطابق حکم آیه 23 سوره نساء» و حرام است که دو خواهر در یک زمان همسران باشند مگر آنچه گذشته(قبل از نزول این حکم انجام شده) است چنین ازدواجی ناجایز و ممنوع است. قانون مدنی در این نیز از فقه متابعت نموده است. بنابراین می‌توان گفت در طلاق رجعی زن مانند زوجه سابق است و در صورت رجوع، عقد نکاح مجدداً برقرار می‌گردد.

خواستگاری مطلقه طلاق بائن

طلاق بائن در مقابل رجعی قرار دارد؛ یعنی در زمان عدت زوج حق رجوع به زوجه را ندارد، و چنان‌چه خواستار زندگی مجدد با زوجه مطلقه‌اش باشد، باید تا انقضای مدت عدت صبر کرده و بعد از آن با عقد نکاح مجدد او را به همسری درآورد. بائن از بیونیت به معنی جدائی است و اینگونه طلاق را از آن رو بائن گفته‌اند که در آن حق رجوع برای شوهر شناخته نشده است و با وقوع طلاق رابطه نکاح به طور قطعی منحل می‌شود .

خواستگاری از زنیکه در طلاق بائن قرار دارد جواز ندارد، چنانچه در ماده63 ق. م ی آید :«خواستگای زن در مدت طلاق رجعی یا بائن عبارت صریح و کنایه و در عدت وفات عبارت صریح جواز ندارد.» منظور از صریح اینست که شخصی به زنی بگوید من تو را دوست دارم و می خواهم با شما ازدواج نمایم اما منظور از کنایه این است که شخص کلمات و عبارات را به کار برد که هدف اش تبارز اراده ایجابی برای نکاح باشد؛ مثلاً: شما خنم مقبول هستین، شما ضرورت به سرپرست و شریک زندگی دارید..

ادامه در صفحه ۲

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

این تعمیر طی یک مراسم رسمی توسط قانوپوه محمد سرور دانش، معاون دوم رییس جمهور، خارنپوه محمد فرید حمیدی، لوی خارنوال و دکتر عبدالصیر انور، وزیر عدلیه با حضورداشت اعضای کابینه، معینان، رؤسا و کارمندان وزارت عدلیه و جمعی از مهمانان داخلی و خارجی، دیروز در دار الامان شهر کابل افتتاح گردید. وزیر عدلیه در این مراسم، نخست، صدمین سالگرد استرداد استقلال کشور را پیشاپیش به دولت و مردم نجیب افغانستان، تبریک گفته و سپس در بارهٔ تاریخچهٔ صد ساله نظام عدلی و قضایی کشور، وضعیت تشکیلاتی وزارت عدلیه، کارکردهای اساسی، چالش‌های کاری و تعمیر جدید صحبت نمود. وی افزود: وزارت عدلیه یکی از نهادهای عمده و مهم دولت افغانستان است که در حدود صد سال عمر دارد. این وزارت در دورهٔ حکومت وحدت ملی، تشکیلات و ساختارهای کاری خویش را بازنگری دقیق نموده و در نتیجه، موفق گردیده است تا معینیت امور اجتماعی، ریاست حمایت حقوق بشر، ریاست ارتباط خارجه، ریاست تصدیق و ترجمه اسناد رسمی و یک تعداد بست‌های مسلکی را ایجاد نماید. وی همچنان افزود که وزارت عدلیه در دورهٔ حکومت وحدت ملی توانسته تا در راستای تدقیق و طی مراحل ۴۱۶ سند تقنینی، جلوگیری از غصب هزاران جریب زمین‌های دولتی، ثبت و طی مراحل صدها هزار عرایض و دوسیه‌های حقوقی و دفاع از حقوق بیش از ۳۰ هزار متهم بی بضاعت، اقدام نماید. در کنار این، ایجاد ستاز تقنینی و ستاز حقوقی، ایجاد مرکز مشوره دهی حقوقی-تلفونی، ایجاد دیتابیس‌های اسناد تقنینی، قاچاق انسان و مساعدت‌های حقوقی، فراهم سازی زمینه‌های حضور زنان در وزارت عدلیه، اعمار تعمیرهای معیاری برای اطفال متخلف از قانون و ریاست‌های عدلیه ولایات، ارتقای ظرفیت کارمندان وزارت به سطح لیسانس و ماستری، به اعلان سپردن حدود ۴۲۰ بست مسلکی وزارت عدلیه به منظور استخدام افراد دارای تحصیلات عالی و مسلکی و ... بخشی از کارکردهایی است که وزارت عدلیه در این دورهٔ انجام داده است.

ادامه درصفحه ۳

چگونگی محو زباله ها و ایجاد زباله دانی

● تتبع ونگارش: دردانه فضایلنی

مسوول و مسبب انداختن زباله ها در مکان های غیر مجاز نباشند از شاروالی می توانند به محکمه شکایت کنند در این صورت محکمه دستور شاروالی را ملغی قرار داده و الی حکم نهایی محکمه دستور کتبی شاروالی متوقف می گردد. در صورتیکه مالک یا متصرف ملکیت بدون کدام دلیل موجه دستور کتبی شاروالی را رعایت نه کند متخلف شمرده شده و به پرداخت جریمه نقدی مطابق اسناد تقنینی محکوم می گردد.

ولی با آن هم اگر مالک یا متصرف زمین به دستور کتبی شاروالی عمل نکند شاروالی زباله ها را انتقال یا محو نموده و مصرف ان را از مالک یا متصرف زمین می گیرد.

از جمله وظایف عمده شاروالی محو و انتقال زباله ها و در نظر گرفتن مکان مناسب برای جمع آوری زباله ها می باشد زیرا انباشته شدن زباله ها و کثافات علاوه بر اینکه صحت و سلامت انسانها را تهدید می نماید و موجب بیماری می گردد و همچنان باعث آلودگی محیط زیست و آب و هوا نیز می گردد در زمینه فقره هشت ماده یکصدو پنجاه هشتم قانون شاروالی ذیلا صراحت دارد:

(۸) هر گاه شاروالی از عدم تطبیق احکام مندرج این ماده و موجودیت موارد ذیل ، اطمینان حاصل نماید، در این صورت زباله ها را انتقال یا محو و سایر اقدامات لازم را جهت کاهش اثرات آن اتخاذ می نماید:

۱-جهت جلوگیری از آلودگی زمین، یا آب یا هوا یا آسیب رسیدن به صحت انسانها زباله ها را به اسرع وقت انتقال یا محو نموده یا سایر اقدامات لازم را جهت از بین بردن یا کاهش آثار انتقال و یا محو و یا هر دوی آن ها ، اتخاذ نماید.

۲- مالک یا متصرف زمین موجود نباشد.

۳- با وجود نشر اعلان ، مالک یا متصرف زمین حاضر نگردد.

ادامه در صفحه ۳

انتقال زباله در ملکیت مربوط نمی باشد ، در این صورت محکمه دستور شاروالی را ملغی می نماید.

(۵) هر گاه مالک یا متصرف علیه دستور صادره مندرج (۳) این ماده، شکایت نماید، الی صدور فیصله نهایی محکمه، تطبیق دستور شاروالی متوقف می گردد. در صورتیکه محکمه شرایط متذکره را تعدیل و یا رد نماید، می تواند، مدت متذکره را تهدید نماید.

(۶) هر گاه مالک یا متصرف زمین بدون عذر موجه دستور مندرج فقره (۲) این ماده را اعمال نه نماید شاروالی زباله را عملیات نقلیه افعال نه نماید، متخلف شمرده شده، مکلف به پرداخت جریمه نقدی مطابق سند تقنینی مربوط می باشد.

(۷) هر گاه مالک یا متصرف زمین دستور مندرج فقره (۲) این ماده را اعمال نه نماید شاروالی زباله ها را انتقال یا محو نموده و مصرف آن را از مالک یا متصرف زمین اخذ می نماید.

از مندرجات این ماده کاملاً مشهود است که اشخاص و افرادیکه کثافات و زباله ها را در مکانهای غیر مجاز بیاندازد در محل های که از طرف شاروالی تعیین شده نریزند متخلف محسوب و مکلف به پرداخت جریمه می گردد. از جزء یک این ماده کاملاً مشخص است که اگر زباله ها در اماکن غیر مجاز انداخته شود البته اینکه می گویم اماکن غیر مجاز این اماکن غیر مجاز را شاروالی تعیین و مشخص می نماید. شاروالی با فرستادن دستور کتبی برای مالک یا افرادیکه این عمل را انجام داده اند اطلاع میدهد از تاریخ ارسال مکتوب الی بیست و یک روزفرزد متخلف باید زباله ها را از ان مکان محو یا به جای دیگر انتقال دهد و یا تدابیر را جهت از بین بردن یا محو و یا انتقال ان به جای دیگر بسنجد. در صورتیکه افراد متذکره(مالک و متصرف)

انباشتن زباله ها درمحلات غیر مجاز:

در قسمت انباشتن و ریختن زباله ها در مکانهای غیر مجاز که از سوی شاروالی معرفی به عنوان مکانهای غیر مجاز شده است کارمندان این نهاد موظف است که افراد متخلف را شناسایی نموده و مطابق اسناد تقیینی متخلفین را وادار به پرداخت جریمه نمایند چنانکه ماده یکصدو و پنجاه و هشتم قانون شاروالی در زمینه احکام آتی را پیش بینی نموده است:

(۱)هر گاه اشخاص یا نمایندگان یا کار کنان یا شخص تحت کنترل آنها و یا وسایط نقلیه بار بری مربوط خاک، سنگ، سنگ ریزه، گل، خاکرس، نخته سنگ، سنگ تراشیده ، کثافات ساختمانها ، خاک اره، زباله های خانگی و تجارتي، کثافات ، خاکستر، کود، کثافات ارگانیک یا غیر ارگانیک ، مواد مضره و امثال آن را در جاده ها، سرکها، پارکها ، یا مکانهای عمومی یا خصوصی بیاندازند، متخلف شمرده شده مکلف به پرداخت جریمه نقدی مطابق سند تقنینی مربوط می باشد.

(۲) هر گاه زباله ها در ساحه غیر از مکانهای مشخص شده انتقال شود، شاروالی می تواند ، با فرستادن دستور کتبی، مالک یا متصرف زمین را مکلف به انجام یکی از اعمال ذیل نماید:

۱-زباله ها را از تاریخ فرستادن دستور کتبی الی مدت (۲۱) روز انتقال یا محو نماید.

۲- در خلال مدت مندرج جزء ۱ این فقره تدابیر لازم را جهت از بین بردن یا کاهش عواقب زباله های انتقال داده شده ، اتخاذ نماید.

(۳)شخص که مطابق حکم مندرج جزء ۱ فقره (۲) این ماده ، مکلف به انتقال یا محو زباله ها می باشد، می تواند علیه دستور شاروالی به محکمه شکایت نماید.

(۴)هرگاه ثابت گردد که شخص مندرج فقره (۳) این ماده، سبب یا اجازه دهنده محو یا

محو زباله ها یکی از وظایف شاروالی می باشد شاروالی یک شخصیت حکمی عامه محسوب شده که به منظور اداره امور شهری، تطبیف شهر و کا هش فقر در سطح شهر و عرضه خدمات با کیفیت به شهروندان فعالیت نموده و در اجرای وظایف و اعمال صلاحیت های خویش از قانون شاروالی ها منتشره سال ۱۳۹۷ را در امور محوله تطبیق و رعایت می نماید.

محو زباله ها در جای جای کشور یکی ازوظایف شاروالی ها بوده و شاروالی ها موظف است نحوه و شیوه جمع آوری زباله ها و محو آن را پلان نموده در انهدام و نابودی آن هر چه سریع تر اقدام نماید. ماده یکصد و پنجاه و هفتم قانون شاروالی ها در مورد محو زباله های جمع آوری شده قرار ذیل صراحت دارد:

(۱)نواحی مکلف اند زباله های جمع آوری شده را به محل که توسط شاروالی ها به این منظور مشخص شده است انتقال دهند.

(۲) شاروالی مکلف است زباله های جمع آوری شده ساحه مربوط را محو نماید.

(۳)شاروالی مکان های را جهت محو و انتقال زباله های خانگی جمع آوری شده توسط ساکنین محل مربوط تعیین می نماید.

(۴) شاروالی در تعیین مکانهای مندرج فقره (۳) این ماده ، موارد ذیل را رعایت می نماید:

۱-مکانها در محدوده شاروالی قرار داشته باشد یا قابل دسترس برای ساکنین محل مربوط باشد.

۲-مکانهای تعیین شده در تمامی اوقات برای محو و انتقال زباله ها قابل دسترس باشد.

۳- مکانهای تعیین شده که ایجاب مصرف را نه نماید.

(۵)شخص که زباله های خانگی را در مکانهای مندرج فقره (۴) این ماده، انتقال می نماید مکلف به پرداخت مبلغ تعیین شده در لایحه مربوط به شاروالی می باشد.

محدودیت یا موانع...

خواستگاری نباید بر خواستگاری

دیگر باشدچنانچه مردی متدبّن و متخلّق به اخلاق اسلامی زنی را خواستگاری نماید و جواب مثبت بگیرد و الفت و ارتباط اسلامی بین آنها ایجاد شود، برای شخصی دیگر جایز نیست که به خواستگاری آن زن برود. (چون برای فرد اول یک حقّ شرعی به وجود آمده است، که به‌منظور حفظ محبّت و علاقه اسلامی بین مردم باید رعایت گردد تا مسلمان از کاری که خلاف مروت و مردانگی است و به زردی شباهت دارد، به‌دور باشد).

اما وقتی خواستگار اول از ازدواج با آن زن منصرف شود و یا اجازه دهد فرد دومی، خواستگاری نماید، در این حالت خواستگاری جایز و بلا اشکال است.

پیامبر(ص) در این مورد ارشاد می‌فرمایند: «کسی نباید بر خواستگاری برادر دینی‌اش، خواستگاری کند مگر نفر اول از خواستگاری صرف‌نظر کند و یا به فرد دومی اجازه این کار را بدهد.» [بخاری] بر انسانهای روشنفکر و اهل بصیرت معلوم و مشخص است که چنین خواستگاریهایی باعث رشد و نمو تخم کینه و عداوت بین مردم می‌شود، و نتیجه‌ی این بدخواهی‌ها و کینه‌توزیها، ناپود شدن کِیان امت اسلامی و تشتّت و تفرّق جماعت مسلمین خواهد بود. و این طریقی است برای گرم شدن بازار سخن‌چینی بین ساکنین یک آب و خاک.

البته در این موضوع باید اشاره کنیم که خواستگاری بر خواستگاری فرد فاسق جایز می‌باشد و از نظر ابن‌قاسم شاگرد امام مالک و ابن‌عربی مالکی اشکالی ندارد.

بدون تردید نظر مذکور که مذهب مالکی بر آن است، با نصوص شریعت اسلامی سازگارتر است زیرا شریعت به والدین دختر سفارش کرده که در انتخاب داماد آینده‌شان ملاک اخلاق و دیانت را مدنظر داشته باشند و این بر اساس قاعده‌ی مشهور اصولی است که: «دفع غودن مفاسد مقدم بر جلب منافع است» و نیز به مصالحی که اسلام برای ازدواج منظور داشته، همسویی کامل دارد. مسلماً پدر و مادران متدبّین به خواستگاری جوان فاسق و بی‌بندوبار، جواب مثبت نخواهند داد.

آیا کسی راضی می‌شود که دخترش را به مردی فاسق و فاجر تسلیم کند، آن وقت آیا برای دین ارزش و اعتباری خواهد ماند؟ و آیا حريم اخلاق اسلامی رعایت خواهد شد؟!

اما اگر به صراحت جواب رد به خواستگار اولی داده یا با تعریض و کنایه به وی جواب مثبت داده باشند، مثل اینکه به وی گفته باشند: نتوان از تو گذشت یا اینکه خواستگار دوم از خواستگار اول خبر و اطلاع نداشته باشد یا اینکه خواستگار اولی، مورد اجابت و قبول زن واقع نشده و از آن امتناع کرده باشد، یا اینکه خواستگار اول به خواستگار دوم اجازه داده باشد، در همه این احوال، خواستگاری جایز است.

ترمذی به نقل از شافعی در معنی آن حدیث گفته است: هرگاه کسی از زنی خواستگاری کرد و زن راضی شد و به ازدواج با وی تمایل داشت، هیچکس حق ندارد از این زن خواستگاری کند. اگر کسی از رضایت و تمایل آن زن نسبت به خواستگار اول اطلاع نداشت، خواستگاری او اشکالی ندارد. و اگر خواستگار دوم پس از جواب مثبت به خواستگار اول، خواستگاری کردن و با آن زن ازدواج نمود، عقد نکاح صحیح است، ولی گناهکار میشود. چون از چنین خواستگاری، نهی شده است و خواستگاری شرط صحت ازدواج و نکاح نیست، تا اگر خواستگاری صحیح نباشد، نکاح فسخ گردد، ولی داود ظاهری گوید: اگر خواستگار دوم عقد نکاح بست، نکاحش فسخ میگردد، چه با آن همبستر شده باشد یا نشده باشد.

در نتیجه گفته میشود که خواستگاری مرحله اساسی و بنیادی در عقد ازدواج بوده که رعایت این مرحله شگوفایی و مسرت را نصیب مشمولین عقد ازدواج میگرداند، در خواستگاری نباید افراط صورت گیرد و تبعات بد را از خود به جا گذارد، زیرا سبب از بین رفتن رابطه حسنه شده میتواند. محدودیت های را که شرع و قانون وضع کرده باید در خواستگاری رعایت شود در غیر آن ممکن است تجاوز به حق غیر بوده باشد. به همین منوال طرفین می توانند یک دیگر را در زمان خواستگاری ببینند بلا مانع است، مشروط به اینکه از حد متعارف نگذرند.

منابع و ماخذ

- قرآنکریم .
- احادیث نبوی.
- حقوق فامیل از نظام الدین عبدالله.
- حقوق فامیل از عبدالقادر عدالتخواه.
- حقوق خانواده از عبدالحسین رسولی.
- آداب خواستگاری و حقوق زوجین از عبدالله ناصح علوان.

سال سیزده هم

شماره ۱۹۶

- گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

الحاج سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه ج.ا.ا، به منظور بررسی و ارزیابی از اجراءات ریاست عدلیه و سایر بخش های آن، به ولایت بامیان سفر نمود. در این سفر، معین وزارت عدلیه با محترم محمد طاهر زهیر والی بامیان دیدار نموده و هدف از سفرش به این ولایت را بررسی و ارزیابی از اجراءات ریاست عدلیه، آمريت‌های حقوق، قضایای دولت، مساعدت‌های حقوقی، مرکز اصلاح و تربیت اطفال و مدیریت عمومی اداری آن ریاست و همچنان ارزیابی مدیریت‌های حقوق ولسوالی‌های یكاولنگ، پنجاب و ورس آن ولایت عنوان نمود. وی از اداره محلی بامیان خواهان همکاری‌های بیشتر با ریاست عدلیه آن ولایت گردید.

در این دیدار، والی بامیان به ادامه همکاری‌ها و هماهنگی بیشتر بین ریاست عدلیه و مقام ولایت تأکید نموده، گزارشی از اجراءات مؤثر و دقیق این ریاست در همکاری با اداره محلی را ارائه نمود. والی بامیان وزارت عدلیه را جزء از کلیدی‌ترین وزارت خانه‌ها در کشور عنوان نموده از سفر آقای هاشمی به این ولایت که به هدف بهتر شدن اجراءات کاری، تطبیق قانون و ایجاد شفافیت در اداره می‌باشد، تشکری نمود.

در ادامه این سفر، معین اداری وزارت عدلیه از روند کار تعمیر جدید مرکز اصلاح و تربیت اطفال نظارت نموده و به شرکت قراردادی هدایت داد تا در زمان تعیین شده در قرارداد، کار این پروژه را تکمیل و آماده تسلیمی نماید، که در غیر آن مطابق قانون جریمه خواهد شد. وی هم‌چنان از ریاست عدلیه آن ولایت دیدن نموده و اجراءات کارمندان آن ریاست و چالش‌های موجود را مورد ارزیابی قرار داد. همچنان، معین وزارت عدلیه با تعدادی از نهادهای مدنی و منتقدین بامیان دیدار کرده و مشکلات آنها را استماع نمود. در بخش دیگر این سفر، آقای هاشمی در حالیکه رییس عدلیه ولایت بامیان نیز ایشان را همراهی می‌نمود، از ولسوالی‌های ورس، پنجاب و یكاولنگ دیدن نموده و با ولسوالان و هیئت رهبری آن ولسوالی‌ها ملاقات نمودند. ایشان همچنان از مدیریت‌های حقوق ولسوالی‌های یاد شده دیدن نموده و کارکردهای آنها را مورد ارزیابی قرار دادند.

در ختم این سفر، معین وزارت عدلیه، مجدداً با والی بامیان دیدار نموده و نتایج ارزیابی‌های‌شان از کارکردهای ریاست عدلیه و سایر بخش‌های آن را با ایشان شریک ساختند. آقای هاشمی از مقام ولایت در جهت تطبیق قرار استردادی آمريت قضایای دولت ریاست عدلیه بامیان در مورد باغ زنانه شش‌پل، تأمین امنیت ریاست عدلیه و حل مشکلات دفاتر کاری مدیریت‌های حقوق ولسوالی‌های ورس، پنجاب و یكاولنگ، خواهان همکاری شدند که والی بامیان در هر سه مورد فوق قول قاطع تطبیق و همکاری دادند.

میراث

فروض یا سهام معینه در کتاب الله (قرآنکریم) شش فرض است. که عبارت از نصف،ربع،عُش،ثلثان، ثلث

سدس می باشد.

ذوی الفروض یعنی ورثه که برای آنها در شریعت اسلامی سهم معینی در ترکه تعیین گردیده دوازده نفر اند که چهار آن از جمله ذکور بوده وعبارت از زوج،پدر، جدصحيح وبرادر مادری می باشد. وهشت نفر آن از جمله اناث است که عبارت از: زوجه، مادر، جدہ صحیحہ، دختر صلبی، دختر پسر، خواهر عیانی (خواهر پدر ومادری)، خواهر علاتی(خواهر پدری) وخواهر اخفایی (خواهر مادری) می باشد که هر کدام از این ذوی الفروض در حالات مختلف سهم معینی در ترکه متوفی داشته واحیاناً تحت شرایط خاص از میراث محروم می گردند.

عصبات :

میراث به طورعصوبت طبقه دوم از اسباب میراث می باشد ورثه که به آن مستحق میراث می شوند بعد از ذوی الفروض قرار دارند.

عصبات جمع عصبه بوده واز این قول عرب» عصب القوم بالرجل عصب «که معنی احاطه را می دهد، گرفته شده است. زیرا اقارب مذکور شخصی که با او توسط مذکر منسوب گردند شخص را احاطه نموده ودر وقت ضرورت از او دفاع می نمایند.

کلمه عصبه جمع بوده مفرد آن عصب می باشد وعصبات جمع الجمع می باشد واطلاق عصبه بر واحد وثثنیه وجمع ومذکر ومؤنث می باشد. در اصطلاح علماء میراث عصبه کسی را گویند که در حالت نبودن ذوی الفروض مستحق جمیع ترکه ودر حالت وجود آنها منتهی مال باقیمانده بعد از سهم آنها می شود. عصبه ابتداً به دوقسم است: عصبه نسبی و عصبه سببی(مولی عناتقت).

تنها عصبه نسبی را مورد بحث قرار میدهیم.

عصبه نسبی:

عصبه نسبی عبارت از اقاربی هستند که از جهت قرابت حقیقی (نسب) با میت ارتباط داشته باشند.

عصبه نسبی نزد علما سه نوع است:

عصبه بنفسه (عصبه ذاتی).
عصبه بغیره (عصبه به سبب غیر).

عصبه سببی توسط عصبه نسبی از میراث محروم گردیده وازآنجا که ناحیه عملی ندارد واکنون قابل تطبیق نیست از تفصیل در آن صرف نظر می شود.

حجب:

حجب در لغت منع وستر را گویند ودر اصطلاح علماء میراث عبارت است از منع شخص معین از کل یا بعض میراث به سبب وجود شخص دیگر.حجب به دوقسم است، حجب نقصان وحجب حرمان.

حجب نقصان که باعث تقلیل حصه مستحقه ارث می شود.

حجب حرمان که بصورت کلی از میراث محروم می شود .

ذوی الارحام:

در صورت عدم موجودیت ذوی الفروض وعصبات ذوالارحام مستحق میراث می گردد.

تعریف : ارحام جمع رحم بوده ورحم محل تکوین اولاد می باشد واز آنجا که رحم سبب قرابت است.

قرابتی نسبی ذوی الارحام نامیده واقارب ذوی الارحام یاد می شوند.لذا ذوی الارحام در لغت مطلق اقارب را گویند.در اصطلاح علماء میراث ذوی الارحام عبارت از اقاربی هستند که از جمله ذوی الفروض وعصبات

۳۱ اسد ۱۳۹۸

معین اداری وزارت عدلیه از ریاست عدلیه و سایر بخش‌های آن دیدار نمود



- تتبع ونگارش: گلالی سنگرخیل عزیزی

از نص ماده مذکور برمی آید که وصیت تصرفی است که موصی در ترکه می نماید، اما اثر بر این تصرف بعد از مرگ موصی مرتب می شود که موصی وفات نماید.

به هر حال، وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند، یا بگوید بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد، یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با اوست قِیم و سرپرست معین کند.

هر شخص میتواند وصیت کند که بعد از مرگ اش سفارشی درباره اموری که اختیار آن با ویاست، بنماید، که آن را «وصیت عهدیه» گویند.

وصیت عهدی عبارت از وصیتی است که به موجب آن موصی، به وصی اختیار می دهد تا در امور صغار یا اموال او رسیدگی واقدام لازم نماید. که بنام وصایت یاد می گردد.مانند: وصیتّ هایی که برای کفن و محل دفن و مراسم دیگر می کنند، یا برای کارهای خیر، قِیم و سرپرستی معین کند. ویا برای کارهای خیر، مانند ساختن مسجد و مدرسه و بیمارستان، یا برای خوشاوندان خود، وصیت مناسب و معقولی کند صحیح است ملحوظ بر اینکه وصیت کننده سفیه نباشد و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش ممنوع نکرده باشد و از روی قصد و اختیار وصیت کند، نه از روی اکراه و اجبار.

اگر شخصی وصیت نماید و بگوید بعد از مرگش چیزی ازاموال او ملک کسی باشد که آن را «وصیت تملیکیّه» گویند.

وصیت تملیکی عبارت از وصیتی است که هدف از آن تمّلیک عین ویا منفعت به موصی له است.

در وصیت تملیکیّه قبول موصی له معتبر است. پس اگر شخصی وصیتّ کند که چیزی به کسی بدهند، در صورتی آن کس آن چیز را مالک می شود که وصیتّ را قبول کند ولازم نیست قبول بعد از موت وصیتّ کننده باشد، بلکه اگر پیش از موت او هم باشد، کفایت می کند. اگر قبول پیش از موت وصیتّ کننده باشد به مجردّ قبول، آن چیز را مالک می شود بلکه بعد از موت وصیتّ کننده بدون حاجت به قبول دیگر، مالک می شود و اگر قبول بعد از موت باشد، به مجردّ قبول، آن چیز را مالک می شود. اگر شخصی وصیتّ کند که چیزی از اموالش مال کسی باشد در صورتی که آن وصیتّ را قبول کند اگر چه قبولش در زمان زنده بودن موصی باشد، آن چیز را بعد از مردن موصی مالک می شود بلکه ظاهر این است که قبول، اصلاً معتبر نباشد و فقط ردّ، مانع است. در صورتی که او وصیتّ را قبول کند، چه در حیات موصی چه بعد از فوت او،که باید آن چیز از یک سوم اموال موصی بیشتر نباشد، آن چیز را بعد از مردن موصی مالک می شود.

در صدر اسلام وصیت از اهمیت زیادی برخوردار بوده مشروعیّت وصیت براساس کتاب الله (ج)،ست،اجماع وعقل ثابت است. در رابطه به وصیت خداوند (ج) می فرماید: ترجمه :«لازم گردانیده شده است بر شما وقتی که موت پیش آید یکی از شما را اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدر ومادر ونزدیکان به نیکویی، لازم شده این کار بر متقیان»(سوره بقره آیه ۱۸۰). حضرت رسول اکرم (ص)فرموده: « وصیتّ بر هر مسلمان حقّ است ».

در حدیث دیگری حضرت پیغمبر(ص) فرمودند: « شایسته نیست برای مسلمان که شبی را به صبح برساند مگر اینکه وصیتّ نامه اش زیر پرش باشد ».

ادامه در صفحه ۳

میراث...

وصیت کننده باید عاقل،بالغ،ورشید باشد. پس وصیت،صبی،مجنون، معتوه، محجور علیه به سبب سفه،عته وغفلت صحیح نیست.زیرا اجازه اسقاط حق است وتبرع پنداشته می شود وکسی مالک آن غی شود مگر مالک تبرعات باشد.علاوه بر این در وقت وصیت کردن به شخصی که وصیت می شودباید نامعلوم نباشد باید مشخص شود.

در مورد چیزی که به آن وصیت می شود طبق حکم ماده ۲۱۱۳ قانون مدنی باید دارای شرایط ذیل باشد

«از جمله اشایی باشد که ارث در آن جاری شده یا قرار گرفتن آن به حیث موضوع عقد در حال حیات وصیت کننده صحت داشته باشد.

۲-اگر موضوع وصیت را مال تشکیل می داد نزد وصیت کننده متقوم باشد.

۳-اگر موضوع وصیت شی معین بالذات باشد باید هنگام وصیت در ملکیت وصیت کننده موجود باشد.»

از فحوای متن ماده مذکور استنباط می شود مای که مورد وصیت قرار می گیرد در وقت حیات باید در ملکیت شخص باشد. وصیت به حقوقیکه توسط ارث انتقال می یابد صحت دارد. جهت صحت وصیت شرط است که موصی به مال متقوم باشد. یعنی انتفاع گرفتن از آن شرعاًمباح باشد ووصیت به مال غیر متقوم صحیح نیست. به کسی که وصیت می شود باید معلوم باشد و چیزیکه به او میدهند باید معین و وجود داشته باشد. چنانچه ماده ۲۱۰۹ قانون مزبوردمورد ذیلأ بیان می دارد:

«شخصی که به او وصیت می شود لازم است هنگام وصیت معلوم بوده ومعین باشد.»
دموردموجودیت شخص که به وی وصیت می شود ودر مورد زواید شی به شخص وصیت شده که بعد مکلف به مصارف شی وصیت شده می شود ماده ۲۱۲۷ قانون مدنی چنین اشعار می دارد:

«۱)هرگاه شخصی که به او وصیت شده هنگام وفات وصیت کننده موجود باشد از همان لحظه وفات ،شی وصیت شده را مستحق می گردد مگر این که در متن وصیت استحقاق شی وصیت شده به وقت معین بعد از مرگ تثبیت شده باشد.

۲) زواید شی وصیت شده از زمان قبول، ملک شخصیکه به وی وصیت شده تلقی می شود و شخص مذکور از همان لحظه به بعد مکلف به مصارف شی وصیت شده می گردد. زواید شی به محاسبه اخراج وصیت از ثلث داخل غی باشد.»

صیغه عبارت از ایجاب وقبول است.ایجاب در وصیت عبارت از اعلام تملیک معلق به فوت از طرف موصی، به موصی له می باشد چه به صورت صریح ویاضمنی باشد. قبول در وصیت عبارت از اعلام اراده موصی له به تملیک آنچه موصی برای پس از فوت خود به او تملیک نموده است، می باشد قبول نیز می تواند به صورت صریح ویا ضمنی باشد.

شروط صحت وصیت:

طبق حکم ماده ۲۱۰۵ قانون مدنی "شرط صحت وصیت آن است که به معصیت نبوده وباعث برآن منافی مقاصد شرع نباشد."از فحوای ماده مذکور برمیآید ، اول اینکه وصیت انجام اموریکه به معصیت منتهی شود نباشد ودوم اینکه باعث بر آن منافی مقاصد شرع نباشد. هر گاه وصیت جهت معصیت صورت گیرد باطل تلقی می گردد. مالیکه وصیت می شود باید باارزش وقیمتی باشدو قابلیت تملک داشته باشد، پس وصیت به شراب یا سک و خوک و امثال آنها باطل است. وصیت به صرف کردن، مالی در معصیت جایزنیست، پس وصیتی که مشتمل بر کمک ظالم در ظلمش و فاسق در فسقش باشد باطل است .

همچنین اگر مورد وصیت مشترك بین حلال و حرام باشد، حمل بر حلال می شود، مگر آنکه بدانیم که در وصیت قصد حرام نموده، که در این صورت صحیح نیست. و اگر وصیت به چیزی کرد که استفاده از آن غالباً در حرام است ولی بدانیم که مقصود او منفعت حلال بوده است و اطمینان به مصرف در حلال باشد و عرفاً کمک به انجام معصیت نباشد، وصیت صحیح است.

وصیت کافر بر مسلمان واز مسلمان بر کافر صحیح می باشد زیرا اسلام شرط صحت وصیت غی باشد. بخاطر هر وصیت نوعی نیکی رسانیدن است مگر این که مسلمان را به شراب خمرویا خوردن گوشت خوک وخنزیر وصیت کنند... چنانچه ماده ۲۱۰۶ قانون مدنی در قسمت وصیت غیر مسلمان می نگارد که:«وصیت غیر مسلمان صحت دارد مگر اینکه وصیت مذکور به اساس احکام شریعت او وشریعت اسلام حرام باشد وقانون به عدم صحت ونفاذ آن تصریح نموده باشد.»

کسي که مي خواهد وصيت کند مي تواند با گفتن يا نوشتن مقصود خود را بفهماند و اگر قادر به سخن گفتن و نوشتن نباشد مي تواند با اشاره اي که مقصودش را برساند، وصيت کند.

ادامه دارد...

تعمیر جدید وزارت عدلیه در دارالامان افتتاح...

وزیر عدلیه در این مراسم افزود که نیروی بشری،تجهیزات و زیربناها و منابع مالی از ضروریات مهم یک اداره است؛ وزارت عدلیه اکنون از لحاظ تجهیزات و زیربناها در سطح مرکز و ولایات به استثنای دو ولایت، همه ادارات خود را تجهیز نموده است. وزیر عدلیه کشور همچنان گفت که کمبود جدی مراکز اصلاح و تربیت اطفال در ۲۴ ولایت، نبود دفترهای کاری در ولسوالی‌ها، کمبود تشکیل در ریاست‌های عمومی قضایی دولت و حقوق، عدم پرداخت معاش و امتیاز مسلکی به کارمندان مسلکی ریاست‌های عمومی حقوق، قضایی دولت و مساعدت‌های حقوقی در مطابقت با قوانین مربوطه، از زمره چالش‌های این اداره است. وی همچنان ادامه داد که طرح افزایش معاش اعضای مسلکی این وزارت به وزارت مالیه فرستاده شده اما در این باره تاکنون پیشرفتی صورت نگرفته است. در همین حال، استاد دانش از دست آوردهای حکومت وحدت ملی در عرصه قانونگذاری یاد نموده، افزود که طی مراحل بیش از ۴۰۰ سند تقنینی در عرصه‌های مختلف بی‌پیشینه است. وی، ضمن ستایش از روند قانونگذاری در کشور گفت که از نگاه متنی و محتوایی، میزان تأثیر گذاری و به‌روز بودن، هنوزهم در عرصه قانونگذاری کاستی هایی وجود دارد که به تلاش و سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز است. معاون دوم ریاست جمهوری با انتقاد از شورای ملی گفت: شورای ملی با آنکه نقش اصلی را در روند قانون گذاری به عهده دارد ولی متأسفانه در طول دو دوره تقنینی اخیر نتوانسته ابتکار زیادی به خرج دهد و معمولاً طرح‌های حکومت را با کمترین تعدیل تصویب کرده و به ندرت اقدام به طرح چند ماده کوتاه قانونی کرده است. استاد دانش گفت که سیستم عدلی و قضایی از نگاه ساختار دارای مشکلات بوده و یک پیوند کاراییک میان ادارات عدلی و قضایی کشور وجود ندارد. در حالی‌که همه این‌ها مانند حلقات به‌هم پیوسته یک زنجیر، مکمل یکدیگر هستند و بدون همدیگر کارایی و موثریت ندارند. وی ضمن تقدیر از کارکردهای وزارت عدلیه گفت که پایین بودن ظرفیت علمی و مسلکی و کمبود امکانات از جمله چالش‌های جدی در نهادهای عدلی و قضایی است خارنپوه محمد فرید حمیدی، لوی خاړنوال کشور نیز استرداد استقلال افغانستان و افتتاح تعمیر جدید وزارت عدلیه را به مردم افغانستان و کارمندان این وزارت، تبریک و تهنیت عرض نموده و از ایستادگی مردم افغانستان در برابر ابرقدرت‌های جهان در طول تاریخ یاد نمود. وی از کارکردهای وزارت عدلیه، اظهار سپاس و قدردانی نموده، داشتن فضای مناسب کاری را در ارایه خدمات با کیفیت، مهم و ضروری دانست. آقای حمیدی با وزارت عدلیه وعده همکاری نموده و ابراز خرسندی نمود که این وزارت صاحب همچون یک تعمیر گردیده است. در پایان این مراسم، وزارت عدلیه به منظور تقدیر از همکاری‌های معاون دوم کشور در راستای قانون‌گذاری، با اهدای لوح تقدیر از جانب دکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه، رهبری وزارت وارت و شماری از مهبانان ویژه، از ایشان سپاس‌گذاری نمود.

فصل پنجم باب چهارم کتاب دوم کود جزاء ، از افزایش غیر قانونی دارایی ومجازات آن وهمچنان ازمجازات معلومات نادرست دارایی ومصادره افزایش غیر قانونی دارایی بحث کرده است.

فصل ششم باب چهارم کتاب دوم کود جزاء ، جرایم انتخاباتی را مورد بحث قرارداده وموضوعات چون سوء استفاده از وسایل وعلایم بمنظور تر سانیدن ، اخذ یا پرداخت رشوت یا تهدید یا هتک حرمت و پنهان نمودن اوراق رای دهی را جرم دانسته وهمچنان تغییر در اسناد انتخاباتی یا دریافت مساعدت را مشخص نموده است . پیرامون مداخله در سیستم نرم افزار وسخت افزار، تشدد بمنظور برهم زدن جریان انتخابات ، سرقت یا تلف نمودن اوراق ومواد حساس انتخاباتی ، استفاده از اسناد تزویری ، استعمال رای در غیاب شخص را بیان داشته است. بدین سان در رابطه به خرید وفروش رای ، تغییر یا تبدیل کردن اسناد، کم یا زیاد کردن آراء ، عدم طی مراحل اعتراض شکایت بمنظور کتمان حقایق ، کتمان یا عدم اطلاع دهی یا مها نعت از حضور ناظر، مشاهد یا رسانه ها و معاونت در ارتکاب جرایم انتخاباتی را تذکرده‌است.چنانکه ماده (۴۲۳) کود مذکوردررابطه به اخذ یا پرداخت رشوت یا تهدید یا هتک حرمت چنین صراحت دارد :
« شخصی که یکی از اعمال ذیل را مرتکب شود ، به حبس متوسط محکوم میگردد:

۱ - اخذ ویا پرداخت رشوت بمنظور اعمال نفوذ در مراحل انتخابات .

۲ - تهدید ، تخویف ، هتک حرمت واعمال فشار علیه رای دهنده ، کاندید ، ناظر ، مشاهد ، رسانه ها .کارکنان انتخابات .»

فصل هفتم باب چهارم کتاب دوم کود مذکور، تزویر وموارد آن را مورد بررسی قرار داده که بعد از ارایه تعریف تزویر، مجازات تزویر کننده ، تزویر توسط موظف خدمات عامه یا سایر اشخاص ، تزویر در متن یا شکل اسناد در هنگام تحریر ، استفاده بدون صلاحیت از مهر، ترتیب تصدیق مزور ، تزویر سند جهت اثبات معلولیت ، استعمال سند تزویری و اعتبار نشان انگشت را تذکرده‌است. اعتبار دادن به نشان انگشت در ماده (۴۴۴) کود جزاء چنین تصریح شده است :
«در تطبیق احکام این فصل نشان انگشت مانند اعضاء اعتبار دارد.»

معرفی کود جزاء...

فصل هشتم باب چهارم کتاب دوم کود جزاء، درین فصل کود جزاء پیرامون اخاذی موظف خدمات عامه ، امربه تطبیق مجازات شدید تر ، داخل شدن غیر قانونی موظف خدمات عامه به منزل شخص ، خشونت موظف خدمات عامه علیه شخص ومجبور ساختن مالک به فروش اموال منقول وغیر منقول وی را مورد بحث قرار داده است. درزمینه ماده (۴۴۹) کود مذکور چنین نگاشته است :
« هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مالک را به فروش مال منقول یا غیر منقول به اسم خود یا دیگری ، بطور غیر قانونی مجبور نماید، به حبس متوسط نا دوسال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی وبه طدر از مسلک یا انفصال از وظیفه ، محکوم می گردد.»

فصل نهم باب چهارم کتاب دوم کود مذکوراز شکنجه ومجازات عاملین آن بحث نموده، جبران خساره را تذکرده‌است و شکنجه را فقره ۱ ماده (۴۵۰) کود جزاءچنین تعریف نموده است:

«شکنجه عملی است که توسط موظف خدمات عامه یا هر مقام رسمی دیگر یا به امر ، موافقه ، رضایت یا به اثر سکوت وی ارتکاب یابد وباعث درد یا تعذیب جسمی یا روانی شدید مظنون ، متهم ، محکوم یا شخص دیگر گردد، به مقصد اینکه :
- مظنون یا متهم علیه خودش اعتراف نماید یا در مورد شخص دیگر معلومات دهد.
- شخص در مورد مظنون ، متهم یا محکوم اطلاعات ارایه نماید .

- از بابت عملی که وی یا شخص دیگر مرتکب آن گردیده ، اورا تعذیب نماید.
- شخص را بمنظور اجراء یا امتناع از عمل ، ارعاب یا اکراه نماید.
- علیه شخص، مرتکب رفتاری گردد که مبتنی بر تبعیض باشد.»

فصل دهم باب چهارم کتاب دوم کود مذکور، از انتحال وظایف والقب بحث نموده ، از جرایم مانند : مداخله در وظایف عامه ، استعمال غیر قانونی یونیفورم نظامی و سوء استفاده از نشان یا لقب تذکر بعمل آورده مجازات استعمال غیر قانونی یونیفورم نظامی

را در ماده (۴۵۴) ذیلأ تصریح نموده است:
«شخصی که بدون داشتن رتبه و استحقاق ، یو نیفورم نظامی را طور علنی استعمال نماید یا بدون مجوز قانونی نشان ورته نظامی را حمل کند، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد.»

چگونگی محو زباله ها وایجاد...

، علف خشک، کاه، خاکه اره، پوشال (مواد تراش شده) ، مواد سبک از هر نوع، زباله های تجارتي و خانگی ، خاکست، کود، کثافات یا زباله ارگانیکی یا سایر مواد ضربه را روی جاده ها ، کوچه ها و امثال آن به سایر اشخاص اجازه دهند.

(۵) شاروالی می تواند، جهت کنترل انداختن زباله ها، لایحه وضع نماید.

(۶) شخص که احکام لایحه مندرج فقره (۵) این ماده را نقض نماید، متخلف شمرده شده و مکلف به پرداخت جریمه نقدی مطابق سند تقنینی مربوط می باشد.

شهروندان محترم اگر دقت داشته باشند متوجه می شوند که قانونگذار در قانون شاروالی نکات بسیار جالب و موثر برای پاکیزگی و سترگی شهر و جلو گیری از انواع بیمار را یاد آور شده است، به طور نمونه انداختن خاكرویه، شاید از دید همشهریان ریختن خاكرویه در جاده ها یک امر عادی تلقی گردد اگر دقت نمایم متوجه می شویم که این عمل سبب آلودگی محیط زیست شده و صحت وسلامتی شهروندان را هم تهدید می کند.

انداختن آب دهن یا افرازات بینی از نظر قانون شاروالی ممنوع بوده و شهروندان حق ندارند این عمل زشت و نا پسند را در جای جای اماکن عمومی و خصوصی و یا انداختن آب دهن همراه با نصورا را در روی دیوارها و کنار آن انجام دهند زیرا این عمل علاوه بر سرایت دادن امراض گوناگون سبب آلودگی محیط زیست نیز می شود.

گذاشته از ان باید قانون را رعایت نموده و در راستای حاکمیت آن کوشا باشیم زیرا قانون شاروالی اعمال متذکر را منع قرار داد و افراد که باعث این اعمال ناپسند شوند قانون مزبور آنها را محکوم به جریمه نقدی می نماید.

علاوه بر تمامی مسایل فوق این عمل زننده از سوی هر شخص که بروز نماید بیانگر یک حرکت غیر اخلاقی و خلاف اداب اسلامی است که نباید این عمل از سوی یک فرد سر زند.

همچنین مالک موتر یا راکبین آن اجازه ندارند زباله های داخل واسطه نقلیه را به بیرون از موتر پرتاب نمایند یک موضوع خیلی ساده است که راکبین و موتروان زباله های داخل موتر را باید در یک خریطه جمع نموده و

معرفی کود جزاء...

فصل یازدهم باب چهارم کتاب دوم کود جزاء ، از محو یا شکستاندن مهر ، ازبین بردن مهرمحل حفاظت شده و شکستاندن مهر توسط شخص محکوم یا متهم به جنایت را مورد بررسی قرارداده ومجازات شخصی را که مرتکب شکستاندن مهرمی گردد در ماده (۴۵۷) چنین بیان میدارد :

« هرگاه جرم مندرج ماده (۴۵۶) این قانون توسط شخص ارتکاب یابد که در جنایت ، محکوم علیه یا متهم قرار گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط و محافظی که به اثر اهمال او مهر محو یا شکستانده شده ، به حد اکثر حبس قصیر ، محکوم می گردد .»

فصل دوازدهم باب چهارم کتاب دوم کود مذکور، از سرقت وتلف کردن اوراق واسناد رسمی ، سرقت یا تلف نمودن اسناد دارای ارزش ملی وهمچنان پنهان ، افشاء یا باز نمودن مکتوب ، پست وپارسل توسط مؤ ظف آن را تذکرده‌است و مجازات مرتکبین سرقت یا تلف نمودن اسناد دارای ارزش ملی را در ماده (۴۵۹) را چنین بیان می کند:

« (۱) شخصی که اسناد دارای ارزش ملی را سرقت ، تلف یا پنهان نماید، به حد اکثر حبس طویل، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه سرقت یا اتلاف اسناد مندرج فقره (۱) این ماده به اثر اهمال موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط ، محکوم می گردد.»

در اخیر مختصراً یاد آور میشویم آنچه که در فصول تذکر داده شده فوق شرح آنها کذشت قابل اهمیت بوده از موضوعات مانند: جرایم علیه نظم عامه، جرایم نقض مقررات هوانوردی وملکی، جرایم تجاوزعلیه مؤ ظفین خدمات عامه، جرایم مربوط به موا صلات ومخابرات، جرایم مرتبط به تخریب بنا یااملاک وقطع اشجار، جرایم فساد اداری ومالی ، اختلاس، سوء استفاده از نفوذ، سوء استفاده از وظیفه یا موقف، افزایش غیرقانونی دارایی، جرایم انتخاباتی ،تذویر، اخاذی غیر قانونی موظفین خدمات عامه، شکنجه، انتحال وظایف والقب، محو وشکستاندن مهر، سرقت وتلف کردن اوراق رسمی را شرح ومجازات در نظر گرفته شده برای مرتکبین جرایم مذکورا تذکر داده است.

ادامه دارد...

- تتبع ونگارش: دردانه فضائلی

نمایند . علاوه بر ان شاروالی ها باید تدابیر لازم را برای پاک نگهداشتن زباله دانی و تخلیه ان را درنظر بگیرند. در زمینه ماده ۱۶۱ قانون شاروالی را ذیلا صراحت دارد:

"(۱) شاروالی زباله دانی ها را جهت جمع آوری زباله ها در کنار جاده ها ، کوچه ها و سایر اماکن عمومی تهیه و تدارک می نماید.

(۲) شاروالی مکلف است به منظور تخلیه و پاک نگه داشتن زباله دانی های مندرج فقره (۱) این ماده تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

(۳) شاروالی مکلف است زباله دانی های مندرج فقره (۱) این ماده و زباله دانی های که توسط سایر اشخاص در محلات گذشته شده است تخلیه و پاک نگهدارند.

(۴) شاروالی مکلف است زباله دانی ها را بطوریکه سبب ایجاد مزاحمت به اشخاص نگردیده و باعث بروز شکایت نشود طور منظم تخلیه نماید.

(۵) شاروالی می تواند جهت اطلاع ساکنین شهر لوحه ها را مبنی بر انتقال زباله ها در مکانهای از قبل تعیین شده نصب نماید.

(۶) شاروالی غی تواند زباله دانی یا لوحه های آگاهی دهی مربوط را در زمین شخص دیگر جا بجا یا نصب نماید مگر اینکه موافقت قبلی مالک ان را در زمینه کسب نموده باشد.

(۷)شاروالی می تواند مواد که به داخل زباله دانی ها انتقال شده است به فروش برساند.

(۸) شخص که طور عمدی زباله یا لوحه مربوط به آن را انتقال یا از بین برد متخلف شمرده شده مکلف به پرداخت جریمه نقدی مطابق سند تقنینی می باشد.

از مطالعه متون فوق به این نتیجه می رسم که از مکلفیت های شاروالی گذاشتن زباله دانی در مکانهای مناسب برای انداختن کثافات بوده و شهروندان نیز باید از انداختن زباله ها در روی سرکها و کوچه ها خود داری نمایند و زباله را که ایجاد می نمایند باید در زباله دانی که از سوی شاروالی تهیه شده است بریزند در غیر آن متخلف شمرده شده به پرداخت جریمه نقدی محکوم می گردد.

منابع و ماخذ:

قانون شاروالی

سایت ویکی پیدیا

